هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



گزیدهٔ از سه سخنرانی رهبر شهید

در سال های ۱۳۶۶، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸

در همایش های بمناسبت قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات باستان

ص۲

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ ۴۶ ۲۳حوت ۱۳۹۳ ۲۳ جمادي الاول ۱۴۳۶ 14 March 2015

یاد قیام ۲۴ حوت هرات باستان و بخون خفتگان راه آزادی را گرامی می داریم



در دوران انقلاب شکوهمند ملت ما، روز بیست و چهار حوت و قیام حماسه آفرینان هرات باستان از جمله روز های بزرگ تاریخ امروز و فردای کشور است. این روز شاهد زندهٔ پیروزی ارادهٔ ملت های مومن بر زورگویان و جباران ملحد است، این روز عنوان عظمت و جلال ملت مومن ما و مایهٔ افتخار همه نسل های خدا پرست افغان در گذرگاه تاریخ است.

رهبر شهید استاد برهان الدین ربانی

پیام صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت قیام ۲۴ حوت هرات



نحمده و نصلی علی رسوله الکریم و علی آلـه و اصحابه اجمعین

قیام بیست و چهارم حوت مردم هرات، یکی از اولین خیزش های مردمی در شهرهای کلان کشور و بزرگترین آن علیه رژیم دست نشاندهٔ کمونیستی وقت و حامیان بیرونی آن ها بود.

سی و شش سال قبل، هنگامی که باور و ارزش های مردم و استقلال و حاکمیت ملی افغانستان عزیز با کودتای کمونیستی مورد تاخت و تاز قرار گرفت، در سراسر کشور مردم آزادهٔ این سرزمین، برای بلند کردن صدای اعتراض شان آماده شدند.

در شهر هرات نیز که در گذشته های دور و نزدیک تاریخی، یکی از مراکز مهم دانش، ادب و هنر و از کانون های اصلی آزادی خواهی در این حوزهٔ کلان تمدنی و جغرافیایی منطقه بوده، مردم آهسته آهسته برای بلند کردن صدای اعتراض شان بسیج می شدند.

هنگامی که بیداد دست نشانده های فریب خوردهٔ رژیم کمونیستی وقت از حد گذشت و سایهٔ شوم آن رژیم، فضای زندگی را بر مردم مؤمن این ولایت تار ساخت، آن ها عملاً صدای اعتراض شان را بلند کردند، اما پاسخی که دریافتند، گلوله و آتش بود.

رهبران رژیم کمونیستی وقت فکر می کردند که با خشونت می شود صدای اعتراض مردم را خاموش کرد، اما نه تنها چنین نشد، بلکه سرکوب اعتراض مردمی سبب خیزش عمومی شد. سرکوب خونین اعتراض مردمی که با دست خالی به میدان آمده بودند، حتی سبب تفرقه میان نیروهای ارتش رژیم وقت شد و بخش از آن ها به صفوف قیام کننده گان پیوستند. درگیری چند روزه میان مردمی که با دست خالی، اما دل پر از ایمان به میدان آمده بودند، و نیروهای حامی رژیم که با همه امکانات نظامی روز مجهز بودند، تلفات سنگینی به جا گذاشت.

ص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

۲۴حوت روز قیام و شهادت

ماه حوت، ماه قیام و حماسه آفرینی هـای مـردم ماست. ایـن مـاه یـاد آور خـیزش هـای تاریخـی شهروندان هرات باستان و کابل زمیـن اسـت کـه جانبازانه در برابر کمونیزم، ظلم، بی عدالتی و تجـاوز ایستادند تا نام کشور، دین و مردم زنـده بمانـد. در این ماه بیش از سی هزار تن در هرات و کابل، جـان های شیرین شان را فدا کردند تا افتخارات و ارزش های دینی و میهنی شان صدمه نبیند. ریختاندن ایـن خون ها سبب تقویـت سـنگرهای جهـاد و تـداوم خیزش های مردمی در کشور شد. سر انجـام ایـن مقاومت و پایداری ها بـود کـه بـساط کمونـیزم در افغانستان و اتحاد شوروی وقت، را برچید.

دوران جهاد و مقاومت مردم افغانـستان صـفحهٔ زرینی از تاریخ مبارزات شکوهمند ملت ماست. ایـن که بعد از پیروزی مباهات آفرین، دست هـای غـرض آلود داخلی و خارجی برای کـاهش مـیزان شـکوه و عظمت مجاهدان، دست به کار شدند، طبیعت انقلاب هاست که دشمنان در جریان مبـارزه و یـا پـس از پیروزی، بخاطر کمرنگ جلوه دادن و بـدنام سـاختن حماسه آفرینان، اتهام های ناروا می بندند تا ذهنیـت آنانی را که در عمق قضایا قـرار ندارنـد، مخـدوش سازند. زیرا سرافرازی های مجاهدان هماننـد خـار، دیده های شان را اذیت می کند، دشـمنان حتـا بـه ترورهای فزیکی و شخـصیتی سـران مجاهـدان و مقاومت گران دست یازیدند که تا امروز این دسیسه ها بر علیه جهاد و مجاهدان به شیوه های گونه گـون ادامه دارد.

بدون تردید، قیام مجاهدان به خاطر محو فساد و رذیلت، دفع تجاوز بیگانگان، تأمین امنیـت و آوردن صلح در کشور بود. مجاهدان، جنگ را به خاطر جنگ نه، بلکه جنگ و مبارزهٔ شان به خـاطر بمیـان آمـدن صلح بود. «مجاهدین جنگ سالار نـه بلکـه، صـلح سالار اند. » از فرموده هـای شـهید صـلح، اسـتاد برهان الدین ربانی رهـبر جهـاد و مقاومـت مـردم افغانستان است.

در این روزها که نـدای صلح و آشـتی در گـوش های مردم خسته از جنگ کشورما طنین انداز اسـت، در حالیکه تلاش های صلح جویانهٔ عادلانه را از سوی هرکی باشد استقبال می کنیم، بار دیگـر از حکومـت افغانستان می طلبیم که جانب احتیـاط را از دسـت ندهد.

به آرزوی رسیدن به تحکیم پایه هـای صـلح در کشور، روان شهدای ۲۴ حوت هرات باستان را شـاد و یادشان را گرامی می داریم.

گزیدهٔ؛ از سه سخنرانی رهبر شهید

در سال های ۱۳۶۶ ، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در همایش های بمناسبت قیام ۲۴ حوت هرات باستان

* تهیه کننده: خُرمی

سال ۱۳۶۶

در دوران انقلاب شکوهمند ملت ما روز بیـست و چهـار حـوت و قیـام حماسـه آفرینان هرات باستان از جملـه روز هـای بزرگ تاریخ امروز و فردای کشور اسـت. این روز شاهد زنـدهٔ پـیروزی ارادهٔ ملـت های مومن بر زورگویان و جبـاران ملحـد است، این روز عنوان عظمت و جلال ملت مومن ما و مایهٔ افتخار همه نسل های خدا پرست افغان در گذرگاه تاریخ است.

رستاخیز الهام بخش این روز به قیام



ملت ما تداوم بخشید، روحیه و ارادهٔ آهنین جهـاد گـران مـومن مـا را قـوی تـر و مستحکمتر ساخت، می بینیم با وجـود ده ها هزار شهید از بهترین فرزندان هرات و ویرانی کامل دهات و شـهرها، مجاهـدان قهرمان این شهر قیام و خـون، هـر روز حماسهٔ تازهٔ می آفرینند و ضـربت خـورد کنندهٔ بر پیکر پلید خصم سفاک وارد مـی آورند.

*

ما نباید فراموش کنیم آن حماسـه سازان که در میان امواج خون بـا شـور و شوق شهادت می نمودند پیامی از خود به ارمغان گذاشتند که هرگز فراموش نخواهد شد، هدف از قیام این گلگون قبایان ایـن بود تا حکومت عدل الهی در کـشور قایـم گـردد، آزادی و تمامیـت ارضـی میهـن تضمین و ارادهٔ ملی در مورد تعییـن حـق سرنوشت ملت تثبیت گردد. این شـهیدان عزیز برای آن جان های شیرین خویش را فدا نمودند تا بار دیگر کشور عزیز شان در زنجیر اسارت سیاسی اقتصادی، فرهنگـی بیگانگان قرار نگیرد.

*

قیام غرور آفـرین بیـست و چهـارم حوت در هـرات باسـتان گرانبهـا تریـن خاطره ایست که بطور جاودانه در ضـمیر تاریخ بـاقی خواهـد مانـد، سلحـشوران قهرمان این مرز و بوم با قیام همگـانی و یورش دلیرانهٔ شان بر پادگان هـای مهـم جنایتکاران کرملین و مزدوران تـا دنـدان مـسلح شـان یـورش بردنـد و صـفحهٔ درخشان دیگـری را برافتخـارات عظیـم ابرمردان مکتـب رهـایی بخـش اسـلام افزودند. این قیام سرآغاز رستاخیز خونین در کشور ما است.

سال ۱۳۶۷

هـرات باسـتان در تـاریخ اسـلام حماسه های دارد، عظمت هایی آفریـده است، هرات تنها شهر علم، شهر هنر و دیار ادیبان و علمای کـشور مـا نیـست بلکه، هـرات باسـتان، سـنگر مقاومـت تاریخی ملت مسلمان افغانستان اسـت. در همین سنگر است که کشور کـشایان درهم شکستند و دشمنان اسلام در برابر عظمت اسلام تسلیم شدند.

چنگیزیان که بخاطر نابودی اسـلام بسوی افغانستان و سـایر کـشور هـای اسلامی سـرازیر شـدند در نهایـت در همین شهر تاریخی بنای بـزرگ تمـدن اسلامی را گذاشتند، در هرات افتخـارات عظیمی داریم که نه تنها در مناره هـای پر عظمت و شکوه آن و در دیار صوفیان و عارفانش بچشم ما می رسد، بلکـه در سنگر های مقاومـت قهرمانـان بزرگـی داریم که هریکی آن دیروز و امروز برای افغانستان و برای همه مسلمانان جهـان بزرگترین افتخار تاریخی بوده و هستند.

قیام خونین مردم قهرمان هـرات از جهات مختلفی دارای اهمیت است. ایـن قیام حیثیت یک آتـش فـشان دوامـدار انقلاب اسلامی را داشـت کـه بـه یـک بارگی بدون مقدمات همـه گـیر شـد و ادامه یافت. قیام ۲۴ حوت بود که همـه ملت ما را که در نقاط مختلف کـشور بـه مبارزه و قیام آغاز کـرده بودنـد، تکـان شدیدی بخشید و نور قیام اسلامی ما را تا اعماق دره های مرد خیز و کوه های پر غرور افغانستان وسعت بخشید.

قیام ۲۴ حوت تنها یک قیام عادی نبود بلکه، یک مدرسـهٔ آموزنـده بـود برای همه مسلمانان، برای نسل هـای انقلابی امروز ما و بـرای نـسل هـای فـردای افغانـستان و بـرای همـه مسلمانان دربند و اسیر در هر جائی که قرار دارند، اگر خواسته باشند از زنجیر اسارت و بردگی نجـات بیابنـد و اگـر بخواهند یک بار دیگر عظمت و شـکوه اسلام را در دیار خویش دوباره تجدید نمایند به چنین نوع قیام های مسلسل و متداوم نیازمند اند.

سال ۱۳۶۸

هدف از قیام اسلامی ما چـه بـود؟ جهاد ما، قتال ما، قربـانی هـای مـا و شهدای بیدریغ ما به خاطر سـربلندی اسلام و برچیدن ریـشه هـای فتنـه و فساد بـود. ریـشهٔ فتنـه و فـساد در کشورما چه کسانی بودند؟ ایا همه فتنه ها تنها در حملهٔ روس است. چه پدیده بوجود آمد که بعضی از دوسـتان هـم آهنگ با اینها یکجا اعلان کودتا بکننـد و از اینها حمایت نمایند و بالاخره سند برائت اینها را به ملت ما بدهند؟ خیلـی ها اسف بار است قـاتلینی کـه دیـروز ملت ما را بی رحمانه کشتند و تا هنـوز این کشتار دوام دارد، امروز ما با جناح نظامی اش دست در دسـت همدیگـر بدهیم و کودتای شان مورد تایید قـرار بگیرد.

برگرفته از:
کلکسیون های مجلهٔ میثاق خون
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی

در حاشیهٔ سالگرد قیام حماسی

هرات



عصر دولتشاهی

بیش از سه دهه از قیام خونین بیست و چهارم حوت ۱۳۵۷ هرات و بیش از دو دهه از سرنگونی رژیمی که مردم را به قیام واداشت و آن کربلای خونین را ایجاد کرد گذشته، اما یاد آن حماسهٔ خونین تاریخ کشور ما جاودانه ثبت حافظهٔ تاریخ گردیده است و سالروز این قیام همیشه با جلال و شکوهی که سزاوار آن است، فقط در هرات برگزار می گردد.

با اینهمه، هنوز هم بسیاری از وجدان های خفته یی که عاملین آنهمه جنایت بودند، بیدار نشده اند و حاضر نیستند به جرم خود اعتراف کنند. آنها هر زمانی که فرصتی بیابند با لجن پاشی روی خون مردم، تلاش می کنند تا مردمی بودن آن قیام را پرده بیفگنند و به آن را رنگ و بوی مداخلهٔ خارجی بدهند.

سه روز پیش نظیف الله نهضت والی خلقی هرات در زمان قیام، در مصاحبه یی با رادیو آزادی، قیام ۲۴ حوت را سخیفانه به مداخلهٔ ایران نسبت می داد. او با دیده درایی و بدون منطق چنین گفت، که ساواک ایران در هرات نفوذ داشت و قیام هرات کودتایی بود که آنها راه انداخته بودند. این در حالیست که رژیم شاهی ایران در ۲۲ دلو پس از ماه ها رویارویی با قیام مردم خودش سرنگون شده و ساواک از بین رفته بود و در ۲۴ حوت– صرف ۳۲ روز از سرنگونی شاه و ساواکش در ایران می گذشت که قیام هرات صورت گرفت. آیا هیچ عقل سلیمی می تواند بپذیرد که برنامهٔ ساواک (ادارهٔ پولیس سیاسی رژیم شاهی ایران) را رژیم جدید جمهوری اسلامی ۳۲ روز پس از سقوط شاه و ساواکش در هرات تطبیق کند؟

قیام هرات از قطعهٔ عسکری شروع نشده بود که پای کودتایی در میان باشد. این قیام به نقل مکرر از شاهدان عینی از قریهٔ سلیمی ولسوالی پشتون زرغون آغاز یافت و به ولسوالی های دیگر و شهر هرات سرایت کرد. قیام افسران فرقهٔ هفده تنها زمانی صورت گرفت که شهر هرات در آتش قیام قرار داشت. اگر کودتایی در کار می بود، باید از قطعهٔ نظامی شروع می شد نه از قریه جات. بگذریم که کودتا در مرکز یک کشور صورت می گیرد نه یک ولایت. با هیچ معیاری نمی شود ادعای نظیف الله نهضت را به اثبات رساند که گویا در ۲۴ حوت کودتایی در هرات روی داده باشد نه قیام. این قیام آنقدر سازمان نیافته و خود جوش بود که وقتی تانک های دولتی از خارج شهر برای سرکوب قیام می آمدند، بیرق های سبز روی تانک ها نصب کرده بودند. قیام کنندگان تصور کردند که این تانک ها نیز متعلق به خود شان است و از این رو به آنها اجازهٔ ورود به شهر دادند. یعنی هیچگونه سازماندهی سیاسی یی وجود نداشت ورنه به این تانک ها کسی اجازهٔ ورود به شهر نباید می داد.

کلیه گزارش ها از محل، چشم دید مردم و گزارش رسانه های بین المللی و همچنان مکالمات میان تره کی و کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست، نشان می دهد که تره کی از روس ها کمک تقاضا کرده بود. حتی ترکی از روس ها می خواهد که قوای روسی باید با لباس مردم شمال کشور ما، وارد هرات شوند و به سرکوب قیام کنندگان بپردازند. روس ها تقاضای فرستادن عسکر و ارتش خود به افغانستان را در آن وقت نمی پذیرند اما برای بمباران شهر هرات و قیام کننده ها، طیارات شان از میدان های هوایی ترکمنستان و ازبیکستان فرمان پرواز یافتند. اما نهضت، والی خلقی وقت هرات می افزاید که در سرکوب قیام هرات شوروی ها نقش نداشتند. دلیلی که می آورد اینست که در روز قیام چون جنرال کاتیشوف، مشاور نظامی فرقهٔ هفدهم هرات از هرات به شیندند گریخته بود، بنا بران شوروی نمی توانست بمبارد کند. او می خواهد بگوید که چون مشاور گریخته بود، پس حملهٔ نظامی شوروی نمی تواند صورت گرفته باشد. آیا این منطق دارد؟ دلیلی نظیف الله نهضت ارائه می کند برعکس هدفش را ثابت می سازد یعنی این گریز نه تنها دلیلی برای عدم حملهٔ نظامی شوروی نمی تواند باشد بلکه، می تواند این حمله را محتمل بسازد.

بسیاری از نویسنده های خارجی که در مورد رویداد های افغانستان در آن سالها نوشته اند، این را ثبت کرده اند که قیام کننده های حوت ۱۳۵۷ در هرات توسط طیارات بم افگن شوروی بمباران شد. از آن میان Gilles Dorronsoroو Oliver Roy نویسنده های معروف غربی، در کتاب های مختلف شان در مورد افغانستان این بمباری را تایید و ثبت کرده اند.

قیام بیست و چهارم حوت سال ۱۳۵۷ هرات، خیزش مردم بود در برابر یک نظام دکتاتوری. عامل و انگیزهٔ قیام تنها و تنها ظلم و بربریت نظام بود. نظامی که تطبیق دکتاتوری پرولتاریا در صدر برنامه اش بود. این دکتاتوری همان است که شماری روشنفکر از نام دهقان و کارگر قدرت حکومتی را غصب می کنند و به خود حق می دهند هرکسی را که مخالف نظام بود، بکشند. رژیم همین کار را می کرد و این برنامه در سراسر کشور به شدت جاری بود. قیام هرات نتیجهٔ مستقیم سرکوب، کشتار، توهین، تجاوز و استبداد خونینی بود که از کودتای هفتم ثور همان سال به بعد توسط حزب خلق در افغانستان راه انداخته شده بود.

حزب خلق پس از به قدرت رسیدن، با ملغی قرار دادن قانون اساسی، کشور را با فرمان ها و احکام اداره می کرد. این فرمان ها مستقیماً از سوی نهادی به نام شورای انقلابی صادر می گردید. برنامه های انقلابی اجتماعی و اقتصادی و انکشافی رژیم با هشت فرمان شورای انقلابی تا قیام بیست و چهارم حوت تحقق پیدا کرده بود که این فرمان ها شامل بخشش قرضداری مردم، منع سود، منع گرفتن جهیزیه در عروسی و تعیین جبری مهریه به ۳۰۰ افغانی، تعمیم کورس های جبری بیسوادی به زنان و مردان، اصلاح اراضی و سرشماری نفوس بود. این فرمان ها توسط عمال حزب در سراسر کشور با قهر و زور تطبیق می شد. اعضای سازمان های اولیه و جوانان حزب در سراسر کشور، وظیفهٔ دژخیم برای رژیم و تطبیق فرامین دولت را داشتند. همه اعضای ملکی حزب با تفنگچه های نوع تی تی روسی (پسانتر میکاروف)، ماشیندارهای پ پ ش (پاپه شه) و یا کلاشنیکوف، مسلح شده بودند. ترس و رعب و وحشت از دهکده تا مدرسه از کشتزار تا بازار را فرگرفته بود.

تا قیام ۲۴ حوت هرات که ده ماه از حاکمیت رژیم گذشته بود، حوصله و صبر و تحمل مردم در برابر آنهمه بربریت به پایان رسیده بود. کشور به یک زندان بزرگ تبدیل شده بود. یک طرف مردم محکوم به قفس بودند و در طرف دیگر مشتی جاهل و اوباش که به نام اعضای سازمان های جوانان، زنان، و سازمان های اولیهٔ حزبی و کمیته های ولسوالی و ولایت با قهر و فرعونیت تمام کشور را اداره می کردند.

در چنین احوال و اوضاعی بود که پس از چندین قیام کوچک و بزرگ دیگر در سراسر کشور، بزرگترین حماسهٔ خونین اما پرافتخار و مقدس تاریخ کشور ما در بیست و چهارم حوت سال ۱۳۵۷ روی داد. رژیم که دست پاچه شده بود از شوروی قوه و کمک نظامی برای سرکوب قیام هرات خواست. به زودی تانک های رژیم از شیندند وارد شهر شده و به سرکوب قیام کنندگان پرداختند. طیارات روسی از مراکز شان در ترکمنستان و ازبیکستان پرواز کرده و به بمباران شهر پرداختند و به این ترتیب این قیام سرکوب شد و هرات باستان به خون فرزندانش وضو گرفت. هزاران نفر در دوران قیام به شهادت رسیدند و هزاران نفر دیگر را پس از سرکوب قیام دستگیر و راهی زندان های بی برگشت کردند.

قیام هرات به ظاهر سرکوب شد اما در اصل خشم مردم علیه رژیم را چندین چند ساخت. قیامی که علیه ستم و بیداد رژیم خلقی در هرات آغاز یافت به زودی به جهاد مسلحانه یی چهره بدل کرد که برای چارده سال هرگز سنگرهایش بی سنگردار نماند و درفش مقاومت در برابر جنایت و تجاوز هرگز از اهتزاز آرام نگرفت.

یاد شهدای مظلوم قیام بیست و چهارم حوت هرات گرامی و روح شان شاد باد!

قیام ۲۴ حوت هرات، آژیر مرگ...

این قیام از یک طرف روحیهٔ مردم را به مقاومت در برابر نظام در سطح داخل بالا برد و در سطح منطقه، کشور های همسایه را که در تایید و عدم تایید این نظام کودتایی، در حالت تردد قرار داشتند، به این تصمیم واداشت که باید در پهلوی مردم افغانستان قرار گیرند، نه در پهلوی نظام دست نشانده که مردم کشور آنرا استفراغ نمودند.

در سطح جهانی هم قدرت های غربی که تا آن وقت در برابر این ادعا های شوروی که نظام کابل، نام برخاسته از ارادهٔ مردم است، در حالت دو دلی قرار داشتند، بعد از قیام ۲۴ حوت هرات، دیگر ادعا های کاخ کرملین را مبنی بر این که از نظام کودتاچیان پشتیبانی شود، به استهزا و مسخره گرفتند، و از طریق نهاد های بین المللی و منطقه ای در راس ملل متحد، ضمن اصدار فیصله های، حمایت شوروی از نظام مزدور را محکوم نموده و از طریق فیصله نامه های خواستار آن شدند تا شوروی از حمایت نظام دست نشاندهٔ خود، دست بردارد.

قیام ۲۴ حوت هرات آژیر مرگ زود هنگام نظام کودتایی برخاسته از استراتیژی جهانی سازی انقلاب های کمونیستی در آسیا، افریقا و امریکای لاتین به صدا درآمد.

آری! قیام ۲۴ حوت هرات که با دادن هزاران شهید، درخت خیزش های مردمی را انبوه تر ساخت، قیامی بود که باید نسل های جدید از آن درس های را فرا گیرند و با عوامل و انگیزه های آن آشنا گردیده و از خون های پا ک پدران و نیاکان خویش که در راه دفاع از استقلال و آزادی میهن اسلامی ما ریخته شده است، پاسداری نمایند.

درود فراوان به ارواح پاک همه شهدای آزادی افغانستان و به گونهٔ اخص شهدای بزرگوار قیام هرات.

روزی که؛ هراتیان حماسه آفریدند!



□ ابوبکر سبزوار

در تاریخ جهاد مـردم افغانـستان علیـه اتحاد شوروی، هر روز یادآور یـک حماسـه است اما در میـان ایـن روزهـای حماسـی، واقعاتی هم اتفاق افتاد که بر وقـایع بعـد از خویش تاثیرات عمیق برجا نهاد. یکی از این روزهای بیاد ماندنی در تاریخ، قیام ۲۴ حوت مردم مجاهد هرات است که با قیام خونیـن خویش، لرزه بر بنیان رژیـم سـراپا وحـشت کمونیستی در افغانستان افگندند.

کمونیست ها در فردای کودتـای هفـت ثور ۱۳۵۷ به قیام مردم در مناطق روسـتایی مواجه شدند. در ابتدا نـه کمونیـست هـای داخلی و نه هم حامی آنان اتحـاد شـوروی، این قیام ها را جدی نگرفتند. در ابتـدا آنهـا می گفتند کـه امریکـا و چیـن بـه کمـک پاکستان و حلقـات مرتجـع در منطقـه، بـا حمایت از گروهـی کوچکـی از "اشـرار" در مناطق دور افتاده دست به اقدامات خصمانه علیه »رژیم خلقی «می زنند که به تدریج با درک حقانیت انقلاب ثـور، از ایـن فعالیـت های تخریب کارانه دست برخواهند داشـت اما قیام مردم هرات نشان داد که مخالفت با رژیم، شهر و روستا نمی شناسـد و منحـصر به منطقهٔ خاصی هم نیـست بلکـه، قیامـی افغانستان شمول است.

قیام ۲۴ حـوت هـرات نخـستین قیـام قدرتمند مردمی بود که طی آن نه تنها یکی از شهر های بزرگ افغانستان برای چند روز از کنترول دولت خارج گردیـد بلکـه، مرکـز نظامی مهم این شهر نیز با قیـام کننـدگان پیوست.

از افسران مسلمان قیام ۲۴ حـوت مـی توان از جگتورن محمـد اسـماعیل، جگـرن عبـدالعزیز، جگتـورن نـور احمـد "شـهید"، دگـرمن محمـد انـور نـصرتی، جگتـورن علاوالدین خان "شهید"، جگتورن شایـسته خان"شهید"، تورن نجیب الله، جگرن سـید اسدالله لوگری، جگرن شمشیر خان، ضـابط خلیل احمد، جگرن غلام رسول بلوچ، کفیل نظر محمـد خـان، ضـابط سـلطان احمـد، شیرین گـل و بـصیر خـان نـام بـرد. ایـن قهرمانان بودند که بعـد از کـشتن افـسران کمونیست، دروازهٔ انبارهای اسلحه را بـروی مردم باز کردند و به این ترتیب مردم مـسلح شدند و سپس به شهر سرازیر گردیدنـد و هواداران دولت را از میان برداشتند.

اگر روزی صلح در افغانـستان برقـرار گردد و اهریمن شوم جنگ و نـا امـنی از این کشور دامن برچیند، سزاوار آن خواهـد بود اگر از این روز بعنـوان روز همبـستگی ملت با نیروهای مسلح تجلیل بعمـل آیـد. در ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ افسران و سربازان مسلمان فرقهٔ ۱۷ هرات به ملـت و جهـاد پیوستند و به این ترتیب ایـن قیـام، اتکـای نظام کمونیستی در کابـل را بـه نیروهـای مسلح نیز زیر سوال برد.

در ۲۷ حوت سال ۱۳۵۷ نیروهای تـازه نفس دولتی از زمین و هوا به هـرات حملـه ور شدند. جنگ شدید میان مردم و نیروهای دولتی ادامهٔ یافت و جگتـورن نوراحمـد در این جریان شهید شد. بمباران هـای هوایـی به شهادت هزاران دلیر مرد هراتی انجامید و سرانجام این قیام با شهادت هزاران هراتـی درهم شکسته شد.

طی این قیـام طبـق آمارهـا بیـش از بیست هزار مسلمان بـه شـهادت رسـیدند. دلیل اصلی این تلفات سنگین در میان قیـام کننده گان، ضعف در رهبری بود زیرا اصولاً این گونـه قیـام هـا در افغانـستان سـابقه نداشت. بی تجربه بودن مـردم از تاکتیـک های دشمن موجب گردید که وقـتی دولـت کمونیستی روی تانک هایی که برای کشتار مردم به این شهر فرستاد، بیرق هـای سـبز نصب کرده بود و شایع ساخت که این تانک ها قصد پیوستن به مردم را دارند، مردم باور کردند اما زمانی به این ترفنـد دشـمن پـی بردند که آن تانک هـا بـروی مـردم آتـش گشودند و دیگر دیر شده بود.

در این قیام حدود ۵۰ تن از مشاورین و متخصـصین روسـی کـه در پـروژه هـای مختلف در این ولایت کار می کردند، کشته شدند اما تلفات قیام کننده گان بـسیار زیـاد بود که نشان از خـشونت و سـبعیت رژیـم کمونیستی داشت. بعد از این قیام بـود کـه بخش بزرگی از روستا های هرات عمـلاً از کنترول حکومت خـارج شـد و فرمانـدهان محلی مجاهدین سر بلند کردند.

ویلهم دیتـل نویـسندهٔ کتـاب گـذرگاه افغانستان، جنایت رژیم کمونیستی در هرات را با جنایت حافظ الاسد در شهر "حمـاهٔ" در سوریه مقایسه می کند و مـی نویـسد: "در تاریخ آسیا جنگ هرات در نوع خود بی نظیر بود. این کشت و کشتار را تنها با درگیری های شهر"حماهٔ" در سـوریه میتوان تشبیه کرد. کشتار مزبور کـه در فبروری ۱۹۸۲ اتفاق افتاد بـه قیمـت از بین رفتن جان سی هزار نفر تمام شـد. همـانطوری کـه در حمـاهٔ مستـشاران نظامی روسیه تجربیات قدرت آتش خود را در اختیار رژیم گذاشتند در افغانـستان هم شوروی ها یک تعداد از مستـشاران نظامی خـود را تحـت ریاسـت جـنرال الکسی سپی لُف که در جریـان اشـغال چکوسلواکیا از خود کار دانی نشان داده بود و تجاربی کسب کـرده بـود، بـرای سرکوب این قیام فرستادند تا کاری را از پیش برده بتوانند که نتوانستند. این قیام وحشت زیادی را بر روسها مستولی نمود طوریکه روزنامهٔ پـراودا چنـدین کـشور خُرد و بزرگ را به دست داشتن در ایـن قیام مردمی متهم کرد.

به تاسی از شـایعه پراگنـی هـای روزنامهٔ پراودا در ماسکو، حفیظ الله امین نفر دوم رژیم کمونیستی، ایـران را بـه دلیل هم مرز بودن با هـرات متهـم بـه دست داشتن در این قیام و اعزام سـرباز در لباس شخصی به ایـن شـهر نمـود. جالب است که وقـتی یـک خبرنگـار از امین سوال کرد که اگـر در هـرات بـه دلیل هم مرز بودن با ایران، ایرانـی هـا دست بـه ایـن کـار زده انـد پـس در بادغیس که چند روز بعد از قیام هـرات مردم قیام کردنـد حتمـاً همـسایهٔ ایـن ولایت یعنی اتحاد شوروی دست داشته است؟! حفیظ الله امین با وقاحت گفـت که، همـان ایرانـی هـا کـه در هـرات شکست خوردند، به بادغیس رفتند و در آنجا دست به آشوب زدند!! وی عـلاوه کرد که تعدادی از این سـربازان ایرانـی هم دستگیر شده اند!

دولت ایران در این مورد بـه رژیـم کمونیستی اعـتراض نمـود و خواهـان نـشان دادن افـراد دسـتگیر شـده بـه خبرنگاران شد اما این کار هرگز عملـی نشد و عملاً مـشخص شـد کـه رژیـم تلاش دارد تا ضعف خـود را بـا چنیـن دروغ ها بپوشاند.

در سـالروز آن قیـام خـونین، شـهادت آن بخـون خفتگـان راه آزادی را گرامی مـی داریـم و بـر مسببین آن جنایت بزرگ نفرین می فرستیم.

قیام ۲۴ حوت هرات
آژیر مرگ نظام کودتاچیان مزدور

□ پوهنمل سید عنایت الله شاداب

تاریخ زندگی ملت ها آینـه دار مردانگـی، قیـام هـا و رسـتاخیز هـای آزادیخواهانه در برابر قدرت های توسعه جو و زورگو بوده، همان گونـه کـه آئینهٔ تمام نمای بی مایه گی اقوامی ست که، در برابر استبداد طـاغوت هـا که جوگ وار خون های آن ها را می چوشند، اقوامی که به تعبیر شـاعری، گوسفند وار خیره می نگرند و گرگ مزور استبداد، هر روزی زندگی و عـزت آنان را، به تاراج می برد و در برابر آن، نه مقاومتی از خود نشان می دهند و نه هم قدرت نه گفتن را دارند.

ملت افغانستان در درازای تاریخ، بویژه تاریخ اسـلامی خـویش، نمـادی است از حماسه آفرینی ها در برابر زورگوئی ها و تجاوز برعزت و سرفرازی و استقلال خویش.

قیام ۲۴حوت در برابر نظام مزدور و دست نشاندهٔ اتحاد شـوروی وقـت، یکی از این حماسه آفرین های ملت افغانستان در تاریخ معاصـر آن بـوده و می توان آن را در چند بُعد در محراق توجه قرار داد:

-خواستگاه این قیام و اهمیت آن
-نیروهای محرکه و رهبری این قیام
-سرنگون شدن طشت رسوایی نظام

در پیوند به خاستگاه و یا زادگاه قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷هـرات ایـن نکتـه قابل توجه است که شهر هرات افزون براین که یکی از مراکز عمدهٔ نظامـی حکومت کودتایی بوده و در پهلوی پایگاه قدرتمند هـوای در غـرب کـشور، یعنی پایگاه هوایی شیندند، قرار داشت، بعد از کابل بزرگترین ولایات از نگاه تجارتی و برخورداری از سطح بالای سواد و روشنفکری به شمار می رفت.

ظهور همچو یک خیزش مردمی آن هم در شـهر هـرات، چنـان زلزلـهٔ مرگباری را در نظام مزدور ایجاد کرد که تره کی را وادار ساخت تا به باداران خود در کریملین در تماس شود، و از آن ها خواهان کمک برای نجـات بـه اصطلاح انقلاب شود.

برژنف از ترکی می پرسد، نیروهای انقلابی در کجا اند تا بـه دفـاع از انقلاب بپردازند؟!!

البته قبل از قیام هرات قیام هایی هم در کنر و بدخـشان و دره صـوف و... صورت گرفته بود، اما این قیام و رستاخیز در شهر هرات، چنان با عظمت و بزرگ بود که نه تنها شوروی وقت را سراسیمه و دست پاچه کرد که پکت و ارسا و بلاک شوروی را هم حیرت زده کرد که چطور مـی تواننـد، بـرای نظام دست نشاندهٔ خود در کابل، چاره ای تدارک نمایند.

قیام ۲۴ حوت در واقعیت امر، ضربهٔ محکمی را متوجه پیکر نظام مزدور و حامیان آن از یکطرف وارد کرد و از جانب دیگر روزنهٔ امیـدی بـود بـرای مردمی که در حال انتظار و رهایی از اسارت این نظام منحوس بودند. و امـا این که چه نیروهای بحیث نیروهای انگیزشگر در عقب این حماسهٔ تاریخی قرار داشتند در پاسخ به این پرسش چند نکته قابل توجه است که نبایـد آن ها را از نظر دور داشت.

نهضت اسـلامی در چـارچوب جمعیـت اسـلامی افغانـستان در دهـهٔ دموکراسی، مراکز فعالیت های خود را در همه ولایات و به گونـهٔ اخـص در ولایات بزرگ از جمله هرات تشکیل داده بود که به گونهٔ نمونه می تـوان از برادران مربوط به نهضت هریک: شهید قاری ابوبکـر از فارغـان دانـشکدهٔ ساینس پوهنتون کابل و بعداً بحیث استاد در هرات، قاضی عبد القیوم فـارغ پوهنحی شرعیات، سید نورالله عماد فارغ ساینس، شهید سید احمـد فراهـی محصل پوهنحی تعلیم و تربیه که بعد از کودتای داوود گرفتـار و محبـوس گردید، قاضی عبیدالله محصل شرعیات و اسحق دلجـو محـصل پوهنحـی ادبیات نام برد که در مراکز تعلیمی و مدارس دینی از جمله فخرالمـدارس و مدرسهٔ جامی هسته های را ایجاد کرده و در اختیار داشتند. برادران نهـضت بعد از کودتای ثور با برقراری ارتباط بـا علمـای دیـنی، متنفـذین قومـی، افسران مسلمان در مراکز نظامی و چهره های عیار در میان مردم، فلیتهٔ این قیام را روشن کردند.

بنا بر روایت قاضی عبیدالله که بعد از رها شـدن از محبـس، ولـسوالی اوبی زادگاهش را مرکز فعالیت های ضد نظام قرار داده بود، یاد آور می شود که شهید قاضی عبدالقیوم هراتی، پیامی را از اسـتاد ربـانی رهـبر جمیعـت اسلامی افغانستان، عنوان مردم مسلمان کشور آورده بود که ضمن آن مردم را به قیام در برابر نظام مزدور، فراخوان داده بود.

سومین نکته هم این که قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات باعث بر آن شد که طشت رسوایی نظام از بام در افتد و چهرهٔ آن بحیث یـک نظـام مـزدور، در برابر مردم به نمایش در آید.

ص۳

یادی از؛ قیام خونین ۲۴ حوت

عبدالقیوم ملکزاد

بیست و چهارم حوت، سالگرد قیام مردانه و بی مثال مردم شهید پرور هرات برضد دست نشانده گان جنایت پیشهٔ روسی در افغانستان است. قیامی خونین و گسترده، که به تاریخ متذکره، در هرات باستان راه افتاد و نظر به روایات، نزدیک به بیست و پنج هزار انسان اعم از زن و مرد و پیر و جوان و کودک آن سامان، به خاک و خون افتادند و با جاری کردن جویبار های خون در هرکوچه و خیابان، برعاملین جنایات، نفرین فرستادند. جنایاتی که تا هنوز- که سی و شش سال از آن می گذرد- نشانه های درد و داغ آن، در سیمای هرات خون آلود و هراتیان قهرمان پدیدار است و هستند داغدارانی که شاهد به خون افتادن چندین سرو قد از یک خانه می باشند.

هرات و خیزش های پی در پی در اطراف و نواحی آن:

نخستین حرکت ایثارگرانه، قبل از راه افتادن قیام عمومی و حماسه آفرین بیست و چهارم حوت ۱۳۵۷، در شهر هرات شهید پرور، به تاریخ نهم حوت آن سال، توسط مردم قریهٔ سلیمی ولسوالی پشتون زرغون یا شافلان، صورت گرفت. درین روز – طوری که در وبلاک "اخبار مسلمانان" اشاره رفته- "عوامل رژیم به منظور بردن اجباری زنان به کورس های نام نهاد سواد آموزی آمده بودند و در واقع می خواستند با توهین به مقدسات و عنعنات مردم، غرور مردم آزاده آن دیار را در هم شکنند؛ با خشم و قیام مردم متدین آن منطقه رو به رو گردیدند."

آوازهٔ حرکت های قهرمانانه یی که در برخی از ولسوالی های هرات راه افتاده بود، جولانگهٔ قیام عمومی را در سایر مناطق نیز فراهم ساخت. چنانچه به روز هجدهم حوت خیزش مردم غوریان و در روز نزدهم حوت، قیام مردم زنده جان، نضج گرفت و این خیزش ها زمینه ساز آن گردید تا دامنهٔ آن به تدریج، به جانب شهر هرات نیز کشانیده شود.

قیام روز۲۴ حوت:

جمعهٔ آخرین روزهای ماه حوت آن سال، به عنوان روزی شناخته شد سرنوشت ساز و دشمن کوب و لرزه بر افگن بر پایه های فساد اندود دشمن در کابل و کاخ کرملین...! دراین روز، ضمن صدور فتوایی از سوی علمای دینی، موضوع راه اندازی قیام عمومی در شهر، به اطلاع مردم رسانیده شد و با طلوع سپیده دم صبح ۲۴ حوت، این حرکت به وسیلهٔ مردمی که ابزار قیام شان چیزی جز چوب و بیل و کلنگ نبود، با هجوم برمدرن ترین زرهپوش ها و تانک های روسی (تی شصت ودو و ایس یو بیست ودو و...) و سایر وسایل مدرن جنگی روس ها- که به تازگی ها توسط دست نشاندگان شان مورد آزمایش قرار می گرفتند- آغاز یافت. قیام متذکره، که همراه با صدای دشمن برانداز تکبیر راه افتاده بود، آن روز و روز های بعدی، شهر را به تعطیلی مطلق کشاند. مردم با حرکت از ولسوالی ها و اطراف و نواحی، از چهار دروازهٔ شهر، دروازهٔ قندهار، دروازهٔ خوش، دروازهٔ عراق و دروازهٔ ملک، به شهر ریختند و تمامی بازار ها، سرک ها و جاده های آن را در نوردیده و آن را به تصرف کامل خویش در آوردند. پس از تسخیر شهر گلبانگ روح پرور "الله اکبر" اطراف و نواحی هرات را نیز تحت پوشش قرار داد.

آری، هرات آن روز یک قلم قیام شده بود. گویی سنگ و چوب آن دیار دراین خیزش، ابزاری برضد ملحدان شده بودند. دشمن که دستش از زمین تقریباً کوتاه شده بود، تمام تلاش و سعی خود را برای ریختن آتش و گلوله و دود و باروت به وسیلهٔ هلیکوپترها و میگ های بیست و یک و بیست و سه و...، از آسمان متمرکز ساخته بود.

معهذا مقاومت مردم با مردانگی و شور و گستردگی ادامه داشت و لحظه به لحظه بر انبوه قیامگران افزوده می شد و میزان حرارت این جوشش کم مانند و شور انگیز بیشتر و بیشتر می گشت.

این حرکت طوری که یکی از شاهدان نگاشته،" لحظه به لحظه موج گسترده تری را به خود می گرفت و مراکز قاتلین مردم یکی بعد دیگری فتح می شد؛ طوری که سراسر ولایت هرات در مدت چهل و هشت ساعت از وجود کمونیست ها پاک سازی گردید"

"چه سینه ها که به توپ عدو شده چو سر
چه مشت ها که سر خصم کوفته چو عمود
چه دیده ها که درآن مُرد شعله های امید
چه قلب ها که در آن نقش آرزو فرسود."

هدف قیام:

راستی، هراتیان با شهامت در بیست و چهارم حوت، یعنی سی و شش سال قبل از امروز، با راه اندازی چنین یک خیزش بی نظیر، چه می خواستند و هدف مقدسی که در قبال این شورش پرجوش وجود داشت، چه بود؟

پاسخ این است که:

نصب العین قیام به منظور نه گفتن بر نظام الحادی بود و به هدف برانداختن رژیم کمونستی، برتری نام خدا و شکستن زنجیر اسارت وگسستن بندهای بردگی! حاکمیتی که نمی شد جنایات متعدد، وحشت، بربریت، آدمکشی ها و سر به نیست کردن مردم به وسیلهٔ دست اندرکاران آن را، و همچنان اهانت این گروه بی خدا، شریر و فتنه گستر را، نسبت به مقدسات و ارزش های اسلامی، و هکذا عملکرد های غیر انسانی آنها را، تحمل کرد.

طی مدت کمتر از یک سالی که از عمر این رژیم منفور سپری گردیده بود، مردم شاهد جنایات متعددی از گروه های کمونستی بودند. حریم خانه و کاشانه مردم مورد از تعرض بی دینان در امان نبود. علمای دینی و جوانان مسلمان و حتی مردم عادی به بهانه مخالفت با رژیم الحادی، دسته دسته و گروه گروه دستگیر و به زندانگاه ها فرستاده می شدند. اذیت و آزار گوناگون مردم به وسیلهٔ وابستگان این نظام لعنتی، با گذشت هر روز اوج می گرفت و گسترش می یافت و زندگی برای کافهٔ مردم بدتر از زهر، تلخ و تلخ تر می گشت و مردم بیچاره انواع مصایب و شکنجه های روحی و جسمی را قدم قدم تجربه می کردند و...! در چنین یک جو اختناق آمیز و یاس آور، چارهٔ دیگری جز قیام و گلاویزشدن با دست اندرکاران رژیم کمونستی و قاتلان سیه دل وادم کش نبود....! هرچند مردم دراین قیام محشرگون بزرگترین تلفات را از سوی رژیم دست نشانده متحمل شدند، اما نتیجهٔ آن باعث بیداری مردم سایر مناطق گردیده و زمینه یی فراهم آمد که قیام های بعدی در سایر ولایات و مناطق کشور شکل بگیرد و بدین ترتیب قیام های یاد شده در راس قیام حماسه زای هرات سبب شد که وطن از رفتن به کام دشمن – هرچند دیرتر- نجات یابد.

هنوز... :

هنوز ضجه و فریاد مظلومینی که به دست وحشیان شکنجه گر و گرگ صفت، تک تک و گروه گروه به روی کوچه ها و خیابان ها و جاده های هرات، در میان آتش و خون دست و پا می زدند، از در و دیوار آن به گوش می رسد.

" خوشا به سوختگانی که می توانی دید
به روی مشهد شان تا هنوز آتش و دود."

و " درود براین یادگار اشک آلود" که تا هنوز گلبانگ تکبیر قیامگران حماسه آفرین، در کوچه کوچهٔ شهید پرورش، طنین انداز است.

ارواح همه شهدای جهاد برحق ملت مسلمان کشور به ویژه شهدای خیزش های حماسه زای هرات شهید پرور شاد و یادشان گرامی باد.

به یاد قیام ۲۴ حوت هرات

تکساری

قیام ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ شهر هرات، یکی از قیام های مردمی و ماندگار در برابر اشغالگران و حکومت دست نشاندهٔ اتحاد شوروی اسبق در کشور است. این قیام یک مقاومت بی بدیل در تاریخ مبارزات مردم افغانستان در برابر بیگانگان می باشد. سرکوب مردم هرات در این روز از سیاه ترین کارنامه های حزب دیموکراتیک افغانستان که وحشت تا هنوز در ذهنیت ها موجود بوده و بر عامل این جنایت نفرین می فرستند.

یک چنین خیزش های ملی و مبارزهٔ مسلحانه در برابر تجاوز و اشغال، ملت های دربند را که در اسارت زنده گی می نمودند، به آزادی و باور به آینده امیدوار ساخت و سر انجام این ملیت های دربند کشیده از سوی حاکمیت حزب کمونست اتحاد شوروی، به استقلال خود دست یافتند. این مردم افغانستان بود که با قیام های مسلحانهٔ خویش و با دادن بالاتر از میلیون شهید و زخمی خدمت بزرگی برای صلح و امنیت جهانی انجام دادند.

در قیام حوت ۱۳۵۷ هزاران انسان، با دشنه های حزب دموکراتیک سر به نیست شدند و تعدادی هم زنده به گور گردیدند و در نتیجهٔ این همه قیام ها، مقاومت گران و سنگرداران عزیز کشور ما، سرانجام اتحاد شوروی با خفت و سر افگنده گی در فبروری ۱۹۸۹ افغانستان را ترک کرد و یک کشور سوخته و تخریب شده از خود به جا گذاشت. بدون تردید یکی از عوامل مهم فروپاشی اتحاد شوروی و از میان رفتن دیوار برلین از برکت جهاد مردم افغانستان می باشد، که هیچ کس در آن تردید ندارد. شکست روس ها در افغانستان پایان ماجرا نبود؛ بلکه این پیروزی مجاهدان آغاز جنگ های دیگر را در آستین داشت و این اشغال نتایج بدی را به این سرزمین به دنبال داشته است

جنگ ده ساله با اتحاد شوروی مصیبت های جانگداز به مردم ما گذاشت و دردناکتر از همه سال های پسین خروج قوت های شوروی از افغانستان است که مصیبت هایی پس از آن کمتر از دوران اشغال اتحاد شوروی نبوده است. پس از خروج قوت های اتحاد شوروی چشم طمع آزمندان به کشورما از سوی همسایه ها بیشتر گردید و این کشورها تلاش نمودند، تا جای خالی اتحاد شوروی را در حکومت داری و شیوهٔ زعامت پر نمایند و همان استراتیژی را که اتحاد شوروی در مورد افغانستان به سر می پروراند، این کشورها نیز پس از خروج روس ها از افغانستان خواستند عملی سازند که نتیجه اش در گیری های داخلی و تداوم جنگ و خشونت در افغانستان گردید.

حوادث اخیر و جریان های افراطی موجبات مقاومت را در برابر همسایه ها و دست نشانده های شان بوجود آورد. گفته می شود که افغانستان قربانی آزادی کشور های دیگر گردیده است و در برابر دهشت افگنی و خشونت با قامت استوار رزمیده و می رزمد. این افغان ها بود که در قرن بیست چند اشغال را پشت سر گذاشتند، آزادی از انگلیستان، اتحاد شوروی و کشور همسایه که برای هیچ کس پوشیده نمی باشد. افغان ها نه برای خود، بلکه برای جهان نیز قربانی داده اند. ناتو و ائتلاف بین المللی نتوانست بی ثباتی را از افغانستان ریشه کن سازد و نتیجهٔ این همه بی ثباتی و خون هایی که در افغانستان ریخته شده و جنگی که در افغانستان هم اکنون جریان دارد همان اشغال اتحاد شوروی و برنامه های منحط حزب دموکراتیک است که برای مردم ما تحمیل گردیده بود.

امروز مردم عزت و سربلندی می خواهند و به این امید نشسته اند تا در فضای صلح آمیز و با عزت زنده گی کنند؛ زیرا نتیجهٔ جهاد و مقاومت به همین محور ها آغاز شده بود، زنده گی آبرومندانه و با افتخار و سر زمین مستقل و دارای صیادت ملی. قرار است نیروهای بین المللی در سال ۲۰۱۶ میلادی کشور را ترک نماید و این افغانستانی ها خواهند بود که در برابر دهشت افگنی و انسان های دشنه به دست مبارزه خواهند کرد، باورها بر این است که باید افغانستانی ها سرنوشت حال و آیندهٔ خود را بدست گیرند و بهانهٔ برای تداوم جنگ و خشونت به جا نگذارند. هنوز گره های کور حل نا شده در کشور وجود دارند و راه رسیدن به صلح پایدار و ثبات سیاسی هموار نشده است. امید ها بر این است که افغانستان مانند کشور های آزاد و مستقل در یک فضای صلح آمیز زنده گی نمایند و دیگر هیچ دست نا آشنا کشورما را لمس نه نماید.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست

د کب ثلیرویشتمه د هرات ولس د حماسې مظهر

■ رفیق بحر

د وخت د ښکیلا کګرو پر خلاف د کب د دریمې نیټې په څېر، د کب ثلېرویشتمه هم د افغان ولس د سرښندنې یو مظهر دی؛ زمونږ په معاصر تاریخ کې د افغان ولس د سرښندنې ګنې بیلګې او د تاریخ زرینې پاڼې او یادونه شتون لري؛ چې پدغو زرینو پاڼو کې یوه هم د کب د میاشتې د دریمې نیټې د کابل ښاریانو د پاڅون په څېر، د کب د ثلېرویشتمې نیټې د سر ښندنې نه هېریدونکې هغه د تاریخ پاڼه هم ده. چې پکې د هرات فرقې مسلمانو صاحب منصبانو او د هرات مسلمانو خلکو د وخت د ولس دښمنه کمونستي نظام پر خلاف، عمومي پاڅون ترسره کړی وو.

د ۱۳۵۸ لمریز کال د کب په ثلېرویشتمه نیټه دغه تاریخي پاڅون لومړی د اردو د مسلمانو صاحب منصبانو لخوا پیل او ورپسې د هرات د مسلمان ولس لخوا په عمومي پاڅون بدل شو. چې په پایله کې یې ثلېرویشتو زرو مسلمانو هراتیانو د وخت د طاغوتي نظام پر خلاف خپل سرونه وښېندل او د افغان ولس د سرښندنې په ستر کتاب کې یې د هراتیانو د مقاومت او سرښندنې باب رقم کړ.

پدې ورځ په ټول هرات کې دننه د پخواني شوروي اتحاد په لاسوهنه او هرارخیز ملاتړ رامینځته شوي کمونستي رژیم پر خلاف. مسلمانو هراتیانو د الله اکبر ملکوتي چیغې پورته کړې او پدې ترتیب یې د ولس دښمنه نظام پر خلاف د خپلې کرکې او انز جار څرګندونه وکړه: چې د کمونستي هتلري مفکورې زیږنده د خلق دموکراتیک رژیم یې د ځپلو لپاره هوایي او ځمکني درانه بریدونه ترسره کړل او ځاې پر ځاې یې د خپل ولس بې وسلې وګړي شهیدان کړل او پدې ترتیب یې په تزاري روسیه کې د ۱۹۱۷ میلادي کال د ولادیمیر لینن او جوزف ستالین د بلشویکي انقلاب یاد افغاني کمونستانو په افغانستان کې ژوندی کړ.

د افغاني کمونستانو پر خلاف د ولس د کرکې او انزجار څرګندونې ډیر یادونه د تاریخ په غیږ کې پراته دي؛ لکه د جلال آباد ښار د یولسمې فرقې، د کنړ په اسمار ولسوالۍ کې د سرحدي فرقې، په بدخشان، بامیان، لغمان، لوګر، سمنګان، بادغیس او .... ولایتونو کې د ولسونو د پاڅونو نورې ګنې پېښې. خو د کب دریمه او ثلېرویشتمه په یوه میاشت کې دوه تاریخي پېښې او د کنړ د کرهالي پېښه او دې ته ورته نورې په سلګونو د ولس دښمنۍ د ثبوت پېښې، د ولس دښمنه رژیمونو پر خلاف د کرکې او نفرت څرګندولو هغه زریني پاڼې دي چې لاملـه یې د کمونستانو انسان دوستي (؟) له پوښتنې لاندې راوستې وه او که د ژوندو کمونستانو ضمیرونه انساني وي نو ورته ښایي چې د قیامت تر ورځې پورې د ولسواکۍ او سیاست نوم وانخلي. او د پولیګون او څرخي پله د بد نامه زندان پېښې خو لا نور هغه بابونه دي چې د افغاني کمونستانو په لمن به تل یو تور داغ اوسي. او د افغان میړني ولس د بچیانو د مظلومیت چیغې به یې تل ضمیرونه شرموي: چې دغو ولس دښمنه انسانانو تاریخ ته څه پرېښې دي؟

که د بلشویکي انقلاب مخکښانو په تزازي روسیه کې د کارل مارکس د پوچې فلسفې په پیروۍ کې د شلمې پیړۍ د دوهمې لسیزې په وروستۍ نیمایي او تر نړیوالې دوهمې جګړې پورې موده کې نږدې یو نیم ملیون انسانان وژلي او د مرګ کومې ته یې لیږلي وو. نو په افغانستان کې د افغاني کمونستانو کمونیزم پیروۍ هم، له یو نیم میلیون څخه زیات افغانان له ژوندانه څخه محروم کړل او د دې شمیرې څو برابره زیات وګړي یې مهاجر او معلولین کړل. چې افغان ربړېدلي ولس به دغه مظالم او د انسان دوستۍ په نوم د انسان دښمنۍ کړنې، هیڅکله هم له خپلې حافظې څخه ونه باسي او تل به د دغو شهیدانو ورونو د سرښېندنو د تاریخ یادونه تازه ساتي؛ د چا د سرښېندنو په بیه چې افغانان لا اوس هم د خپلواکۍ ساتلو لپاره د ناورینونو کوربانه دي او د وېرونو تغر یې لا هماغسې غوړېدلی پروت دی او د افغان دښمنۍ جګړې یې، هره ورځ د هیواد په یوه او بله سیمه کې، په یو او بل نوم د ځیګر ټوټې ورڅخه اخلي او د ښادۍ او غمونو د ورځو توپیر یې ناممکن شوی دی.

د ښکیلاکګرو او ولس دښمنه رژیمونو پر خلاف د افغان ولس د کرکې او انزجار روحیه دې. الله تعالی تل له افغانانو سره مل لري او د افغانانو د پاکې عقیدې او اسلام پالنې د روحیې دښمنان دې الله تعالی ددغه مظلوم ولس له پرګنو څخه ورک کړي. چې افغانان د خپل ایماني شهامت او اسلامي هویت دنګه مناره همداسې هسکه او په سرېې د توحید رپانده بیرغ رپانده وساتي.

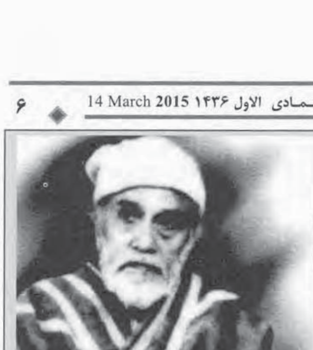
مجاهدین واقعی

■ آسیه فقیری

مجاهد، کسی که در راه خداوند برای دفاع از دین، خاک و ناموس خود می جنگد. کسی که آماده است، برای حفظ دین و وطن خویش از جان بگذرد. اما دشمنان دین و میهن از بدگویی در حق این مردان خدا دست بردار نیستند. جهاد که یک فریضهٔ الهی است اهمت آن را فقط شیران کشورمان درک کرده می توانند و کسانی که در صحنهٔ جهاد حاضر بودند و به فرمان الهی لبیک گفتند و از دل و جان در میدان نبرد در مبارزه بودند، این ها اهمیت امر خدا را درک می کنند، نه انسان های بی ایمان و متردد.

اگر مجاهدین نبود، شاید شاهد حالات دیگری در کشور می بودیم. کشورما به خاطر پیاده کردن نظام الهی و دفع تجاوز، شهدای چون، استاد برهان الدین ربانی و سپهسالار شهید احمد شاه مسعود را به پیشگاه خداوند تقدیم داشته اند که فراموش ناشدنی است. به مناسبت یادبود از شهدای ۲۴ حوت هرات باستان که روان شان شاد و یادشان گرامی بـاد!، یک نکته را که به نظرم خیلی مهم می رسد قابل تذکر می دانم تا دولت، رهبران و فرماندهان جهادی به آن توجهٔ جدی داشته باشند، آن اینکه حال در کشورما مردار شده گان نظام کمونیستی را هم شهید می نامند که در برخی چهار راهی های کابل عکس های شان نصب و واژهٔ پاک شهید روی تصاویر شان نوشته شده است. در حالیکه توسط آنها تعدادی از هموطنان ما شهید و معلول گردیده اند. این عمل در مخالفت با قهرمانی های مجاهدان و تقدیم میلیون ها شهید واقعی این کشور می باشد که ایثارگرانه مبارزه کردند و جان دادند.

بررسی فرایند نوستالژی در شعر استاد خلیلی
نوستالژی "غم غُربت"



بخش دوم

یکی از عناصری که استاد خلیلی در سروده های خود ازآن فراوان یاد کرده، مادر وطن است، چیزی که وی به او تعلق خاطر شدیدی داشته است. "یاد کشور" یکی دیگر از سروده هایی است که استاد درآن به یاد وطن- آن "خاک جان پرور"- در دیار غربت می سوزد و در آتش اندوهش می تپد و ناله هایی به گونهٔ اسپند سر می دهد که در مجمرش فگنده باشند. این ناله ها زمانی بیشتر اوج می گیرد که می بنید مرغکی بال و پر زن به فضای نیلگون آزادی به وقت شام به لانهٔ خود برمی گردد و با جا گرفتن درآن، احساس آرامش خاطر می کند. چنانچه می سراید:

"باز امشب دوستان! کشور به یاد آمد مرا
سوختم، آن خاک جان پرور به یاد آمد مرا
شام دیدم مرغکی بر گلبنی خفته به ناز
آشیان مهربان مادر به یاد آمد مرا
در دل این آسمان نیلگون نقره کار
نیم شب آن ماه و آن اختر به یاد مرا
شب دلم در آتش غم ها به حسرت می تپید
نالش اسپند بر مجمر به یاد آمد مرا".

طوری که می بینیم حس نوستالژی در این شعر به وضوح پدیدار است. استاد سخن خلیلی دراین حسرت سرود و بسا از سروده های مشابه به آن، به بازگو کردن حالات شخصی خود می پردازد. هر آنچه که او را به سوی گذشته های خویش بکشاند، از آن با درد و دریغ و حسرت یاد می کند. زیرا همانگونه که "عالی عباس آباد- ۱۳۸۷:۱۵۷ " نگاشته: »نوستالژی دارای مؤلفه ها و شاخص هایی همچون یاد آوری مسرت آمیز خاطرات و گرایش به گذشته و گرایش به زادگاه و وطن، ارکائیسم، اسطوره پردازی و پناه بردن به آرمان شهراست." (بررسی نوستالژی در دیوان ناصرخسرو)

در یکی از قصاید دیگر استاد می نگریم که غربت، بار آور اندوه فراوان و رنج بیشمار برای وی است. دراین شعر ملاحظه می گردد که غم غربت به سان کژدمی است که هردم از رگ رگ جان او نیش می زند و او را به شکوه سر دادن فرا می خواند.

گویی جایی برای وی در زیر سایبان فلک سراغ نمی شود، تا او بتواند درآن دمی بیاساید:

" هردم زند به رگ رگ جان نیشتر مرا
آوارگی از این چه کند بیشتر مرا
این چرخ سفله خو که به هر در نشسته است
آخر نشاند همچو خودش در به در مرا
در زیر سایبان فلک جای امن نیست
تا شب شود به بالش راحت به سر مرا".

از سید حسینی،۱۳۸۷: ۹۲) در نوشته یی زیر عنوان (بررسی نوستالژی آرمان شهر در اشعار شاعران معاصر) می آورند:

"یکی از مبانی نوستالژی در مکتب رمانتیک ها" نوستالژی دوری از بهشت و روح ازلی" است. دراین حالت شاعر احساس می کند که از اصل خود دور شده است و مانند یک تبعیدی دراین "غریبستانگ زندگی می کند."

وی همچنان علاوه می کند:

"بازگشت به گذشته" یکی از مشخصه های رومانتیک است. انسانی که با زندگی صنعتی، آرامش روحی و سادگی زندگی روستایی و یگانگی با طبیعت را از دست داده و خواهان گریز به عالم کودکی، رؤیاها و تشنهٔ بازگشت به دامان طبیعت و زندگی ها وآزاد از رنج و دغدغه است، به آرمان شهر می اندیشد. ازاین روست که یکی از دلایل اصلی روی آوردن به آرمان شهر را در شعر معاصر پیشرفت های سریع و حیرت آور تمدن و صنعت دانست."

چنانچه استاد سخن خلیلی در این مورد ابیاتی دارد با همین روحیه:

" برفرق پیری پا زنم، صد طعنه بر دنیا زنم
جای قدح دریا زنم، از بادهٔ گلرنگها
کودک شوم بازی کنم، مستی و طنازی کنم
از نو غزل سازی کنم با بانک رود و چنگها
در پای کهسار وطن، در ارغوان زار وطن
بوسم گل و خار وطن، در ریگ ها در سنگها
برهم زنم چون کودکان این گوی های اختران
تا از شکستن های شان آید صدا فرسنگها."

آوارگی در دیار غربت سیل خاطرات گذشته را در برابر شاعر (استاد خلیلی) نقش می سازد. روزگاری که او تا حدودی در رفاه و آسایش به سر می برده. هرچند دوران کودکی این فرزند محمد حسین خان مستوفی الممالک با درد و آلام توام است. مرگ مادر در هفت سالگی و کشته شدن پدرش در دوازده سالگی و مشقت های پس ازآن، عواملی بوده که بر وی تأ ثیرات ناگواری گذاشته. ازاین که بگذریم، پس از سالهای ۱۳۲۸ غبار اندوه کم کم از سر و چهرهٔ وی شسته می شود. او را به سردبیری مجلس عالی وزرا عروج می دهند و متعاقب آن زمینهٔ ترقی بیشتر فراهمش می سازند. مدتی به ریاست مستقل مطبوعات توظیف می گردد و در سال ۱۳۳۲ به حیث مشاور مطبوعاتی شاه متوفی گماشته می شود و در کنار آن بازار شعرش نیز بسیار خوب رونق پیدا می کند و... اینهـا مـوادی هستند که در بهبودی زندگی استاد نقش ایفا می کنند.

احتمالاً استاد از سلب شدن همان آسایش ها، لب به شکوه می کشاید و می سراید:

" یاران مرا برید در آنجا که آفتاب
از مهر بوسه ها زده بر چشم و سر مرا
آنجا که کوهسار فلک سای شامخش
پرورده همچون جان گرامی به بر مرا."

گفتنی است: علاوه بر شعر، در نثر زیبای استاد نیز این گونه احساس نوستالژی را می توان به تماشا نشست. چنانچه وقتی که در صفحهٔ نخست کتاب "اشک ها و خونها" مشاهده نماییم، جملاتی حسرت آمیز به این مضمون توجه ما را به خود جلب می کند:

گ این دفتر پراگنده، انداختنی است، نه اندوختنی و سوختنی، نه اموختنی.

گذشت آن خجسته روزها که سخنان مرا زیبا نگاران شهر کابل به هفت شیوه نگاشته چاپ کردند (شاعر به انتشار منتخبات آثارش در کابل با خط استادان خوش نویس عصر اشاره دارد. »کاظمی («و کاروان سالاران دری سرای در کشور من و در ایران گلزمین سخن آفرین، با پیشگفتار ها و پیش نویس ها، با نامه و چکامه ها آن مایهٔ ناچیز را نگار جاودانی بخشودند، و چنان که یاران هنر دوست و رژف نگر در لب دجله و کنار نیل، گفتار نا هنجار مرا ستودند و از فرودین مغاک گمنامی بر برین ستیغ ناز و بلند آوازگی نشانیدند."

این سخنگوی بلند نظر، به همین نحو در دیار غربت یکسره به اشعاری پرداخته که از آنها بوی درماندگی و احساس جدایی از وطن و غم و حسرت دلتنگی، به مشام می رسد.

چنانچه قبلاً اشاره داشتیم، پس از استیلای کشور به دست دشمن، نه تنها وی بل همهٔ آوارگان، خصوصاً آنهایی که به سرایش شعر دسترسی داشتند، به حالتی قرار داشتند که تاب و توان کاملاً از دست آن ها ربوده شده بود. از همین روست که آزردگی و رنجیدگی خاطر از بیت بیت اشعار شان پدیدار است و حسرت همواره از تراویده های فکری آنان رخ می نماید.

سخن از غم غربت و رنج بیکران دوری از وطن است. طوری که اشارت رفت، استاد دراین باب حرف های فراوانی دارد و سخنانی بی شمار؛ نظیر این ابیات اندوده با حسرت:

"چون درخت میوه دار از بار غم پشتم خمید
کس نمی چیند که پیشش عرضه دارم بار خویش
این درخت غم مگر رفته ز یاد باغبان
کافگند آن را برون از عرصهٔ گلزار خویش."

هرگاه به این شعر سوز اندود و اندوهبار استاد- که تابوت آتشین نام دارد- امعان نظر صورت گیرد، مبرهن می شود که شاعر چه تصویر غم انگیزی از خود ارائه می دهد. این هم تصویر دیگری از رنج آوارگی استاد، آنکه او "مغز جان بگداخته در آتش عشق وطن":

"من بی وطن که دور زآغوش مادرم
بنشسته ام در آتش و در خون شناورم
برگم که تند باد فگنده به هر برم
گردم که حادثات نشانده به هر درم."

از سخنان حسرت خیز او می توان به این نتیجه دست یافت که تاثیر غم غربت و دوری از میهن، رنج ها و حرمان هایی است که شاعر پیوسته به نوستالژی و خاطرات گذشته پناه می برد.

آوارگی جز در به دری و خانه به دوشی و حسرت و اندوه، پیامد دیگری در قبال ندارد. به قول استاد، آنکه خانه بر دوش است، همواره در فکر آن می باشد که به کجا می تواند بار اقامت افگند؟

"خانه بر دوشم کجا بار اقامت افگنم
از وطن آواره گشتم، آشیان باید مرا"

دیار غربت همان سرزمین نا آشنایی با دیگران است؛ دارای مسیری است پرخم و پیچ، و غریب با هر که در غریبستان مواجه شود، چهره ها در نظرش کاملاً نا آشنا و بیگانه اند. درهمین حالت است که خلیلی سا، ناگزیر می موید:

"به دیار نا شناسان چه رهی است پرخم وپیچ
دل دردمند نالان، به کجا سپارم امشب؟"

آوارهٔ آنچه بیشتر از همه چیز بدان می پردازد، یاد وطن است.آنهم با سوز و درد جانفرسا:

"چون کنم یاد وطن سوزد تنم
راه برآتش چسان خواهم گرفت؟"

"فیشر"(Fisher) و "هود" (Hood) به این باور اند:

احساس غربت یک حالت هیجانی، انگیزشی و شناختی پیچیده است که حاکی از غمگینی، تمایل به باز گشت به خانه و درماندگی ناشی از تفکر در بارهٔ خانه است."

به تأسی از همین رویکرد است که می بینیم استاد در بسا از سروده هایش جز میل به بازگشت به خانه در روزگار غریبی، هدف دیگری به سر نمی پروراند. او خود را به سان مرغی افتاده در قفس می پندارد که ناله اش فقط و فقط به خاطر راه یافتن به چمن است. غریبی که به قول خودش در عهد استیلای بی دینان آدمکش در افغانستان، آواره تر از وی به همه روزگار نیست. توجه کنیم:

ص۷

حوت، ماه خون و شهادت

■ عنایت

ماه حوت مانند برخی ماه های دیگر، همراه با روزها و لحظه های خاطره انگیزه است. از یک طرف قیام سوم حوت کابلیان، از سوی دیگر رویداد ۲۴ هرات باستان و آمد آمد فصل بهار، فصل تازگی و شگفتن برای من همراه با هیجان و تأمل می گردد. راستش وقتی تقویم بر می گردد و ماه حوت آهسته آهسته گلیم خود را جمع می کند، در روزهای اخیر آن به یک حماسۀ ماندگار و جاویدانی این سرزمین بر می خوریم. حماسۀ که قهرمانش نه سهراب است و نه رستم، بلکه قهرمان این حماسه کارگران عادی، پا برهنه های سر چوک، دانشجویان مکاتب و مدارس، اندیشمندان، زنان با نجابت از نسل ناهیدها و رابعه ها و ارتشیان با ایمان و وطن دوست اند.

آری ۳۵ سال پیش از امروز این قهرمانان در همین روز در هرات، به نبرد زال و ضحاک رفتند. فریاد ها بلند کردند، شوریدند و موج شدند و پژواک آزادی خواهی را به گسترۀ این مرزوبوم طنین افگندند. قیام تودۀ در هرات برضد رژیم دست نشانده، سرآغاز دیگر قیام ها و رستاخیزهایی مردمی در سراسر کشور شد. هر روزی که از انقلاب و رستاخیز قیام هرات باستان می گذرد، خاطرات و درس هایی به یاد ماندنی آن برای مردم ما پر اهمیت می گردد. آگاهان راجع به عوامل و نحوۀ چرخش این حرکت، عملکرد مردم درآن وقت، پیش زمینۀ تاریخی، روایت های مختلف و حرف های گفته و ناگفته دارند. اما به طور قطع، نمی توان انگیزۀ های دینی، فرهنگی، تاریخی، استبداد ستیزی مردم را در این رستاخیز عظیم نا دیده گرفت. از لحاظ زمانی ۱۰ماه و اندی پیشتر در هفتم ثور ۱۳۵۷ همین سال، یک رژیم کودتای در کشور به قدرت رسید. خاصیت رژیم های کودتای همین است، وقتی تازه به حاکمیت می رسند، مخالفان و دیگر اندیشان را محکوم به زوال و نابودی می دانند. به ویژه در افغانستانی که تاریخ آن عجین شده با دیگر ستیزی ها و جنگ های قدرت حتی به سطح خانواده ها و عمو زاده ها. جالب این که رژیم تازه به دوران رسیدۀ خلق و پرچم، در آن زمان نه تنها مخالفان سیاسی خود را نابود می کرد، بلکه کسانی را که مثل آنان نمی اندیشیدند و حتی افراد عادی هم بودند، سرش را زیر بالش می کردند. از آن جایی که مردم مسلمان افغانستان باورمند به ارزش های دینی بودند و هستند، خشم خود را در برابر اعمال ظالمانۀ کودتا گرانی که مرتکب، قتل های دسته جمعی شده بودند در ۲۴ حوت ۵۷ به نمایش گذاشتند.

با به قدرت رسیدن این گروه ها وعده های میان تهی از آب در آمد و شاخص های وعده داده شده (کور) خانه به گور، نان به خمپاره، لباس به کفن تبدیل شد. شدت قصاوت و بی رحمی در سرکوبی قیام هرات به نمایش گذاشته شد که ۲۵ هزار نفر را طی دو روز به شهادت رساندند. بیشترین کسانی که در این روز جان های خود را از دست دادند مردم فقیر، طبقۀ کارگر و افرادی بودند که در بازار ها به دنبال کار و یک لقمه نان بودند. حساسیت ها و پاسخ مردم، در برابر از حد گذری های رژیم، اصطکاک قدرت و طبقه را به وجود آورد. در بسیاری از آثار و اسناد نشر شده، گفته شده است که در روزگارانی که جنبش ۲۴ حوت هرات به وقوع پیوست، لرزۀ مرگ بر پیکر رژیم مستولی گردید و در نهایت از روس ها خواستار مداخلۀ مستقیم در دفاع از حاکمیت پوشالی خود شدند. این درخواست، یک سال بعد در ششم جدی ۵۸ محقق شد و شوروی ها عملاً پا به قلمرو افغانستان نهادند. مردم متدین این خطۀ باستانی وقتی می دیدند که مزدوران جناح های خلق پرچم به ارزش های مردم هتاکی می کنند، به مال و نوامیس مردم تجاوز می کنند، دست به قیام مردمی زدند، آنان تعهد نمودند که مرگ با غرور را نسبت به زندگی ننگین زیر اسارت ترجیح می دهند. هرچند کارشناسان و مردم عادی به این باور اند که انگیزۀ قیام حوت بیشتر رنگ دینی و فرهنگی دارد، اما حضور نیروهای وابسته به بلوک شرق که اساساً به ارزش های مردم بیگانه بودند و با حمایت و پشتیبانی روس ها به قدرت رسیده بودند در برانگیختن مردم و جهت گیری های سیاسی نقش بسزا و مهمی بازی کرد.

خیزش مسلحانۀ مردم در برابر نیروهای وابسته به اتحاد جماهیر شوروی وقت در هرات، نوعی حرکت سیاسی نیز تلقی می گردد. زیرا در پشت این قیام افرادی از نهضت اسلامی حضور داشتند که در بسییج مردم و حرکت شان تا مرحلۀ پیروزی و سرکوب تأثیر گذار بودند. انگیزه بخشیدن، شخصیت های سیاسی به مردم و باخبر ساخن آنان از نیات شوم و برنامه های روسی سازی افغانستان را نمی توان نا دیده گرفت. پیروزی اسلام سیاسی در ایران نیز می تواند یک فکتور دیگر در برانگیختن مردم بوده باشد. از سوی دیگر در طول تاریخ دیده شده است که افغانستان کشور عقب نگه داشته شده و فقیر است. فقر و تهی دستی به طور طبیعی دامنگیر مردمان این سرزمین است. نظام های حاکم به جای ترقی و کار آفرینی برای مردم، فقر، گرسنگی، استبداد، جهل، بیسوادی، کشت وکشتار دسته جمعی، خفه ساختن صداهای مردم و بلاهای این چنینی را به این سرزمین تحمیل نمودند که بدون شک مردم هرات از این امر مستثنا نبود.

هرچند ولایت هرات از نقطه نظر ظرفیت یا همان پتانسیل ژئو ایکونومی در موقعیتی بهتر قرار دارد و در صورت توجه می تواند به مرحلۀ رشد اقتصادی زودتر و خوبتر برسد. چیزی که حاکمیت ها طی ده های گذشته به آن توجه نکردند و مردم را فقیر و گرسنه نگه داشتند. این در حالیست که جناح های خلق و پرچم قبل از رسیدن به قدرت برای مردم وعده های فراوان (کور، کالی و دودی) داده بودند. از ۲۴ حوت پنجاه و هفت ۳۵ سال می گذرد، در این مدت مردم افغانستان روزهای سختی را دیدند. مردم افغانستان به ویژه مردم هرات در حالیکه خاطرات تلخ آن روز را گرامی می دارند و به یاد خون پاک شهدا سالروز قیام حوت را جشن می گیرند، به تپۀ شهدا و به مزار پیر هرات خواجه عبدالله انصار می روند و با روح پاک جان باخته گان آن روزگار اتحاف دعا می نمایند، اما یک چیزی که بسیار مهم است این که بیم آن نیز می رود تا این روزهای به یاد ماندنی به باد فراموشی سپرده نه شود. به فرزندان شهدا و وارثان انقلاب توصیه می کنیم که زرق و برق دنیا (ثروت و قدرت) نباید آنان را نسبت به ارزش های انقلاب دور سازد.

یاد شهدای ۲۴ هرات گرامی باد.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

۱۸حوت:

* مسوولان مدرسۀ ابوذر غفاری در ولسوالی جبل السراج به رسانه ها ۴۸ تن از شاگردان این مدرسه پس از صرف غذای چاشت امروز مسموم شدند. فرماندۀ پولیس ولایت پروان مسموم شدن شاگردان این مدرسه را تایید کرده، گفته است که نیروهای پولیس در این مورد تحقیقات را آغاز کرده اند.

۱۹حوت:

* در خبرنامۀ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، موظفین این ریاست در یک اقدام به موقع در ولایت ننگرهار یک عراده موتر نوع ده سلند دارای نمبر پلیت « H.R.T ۱۵۴۴۱ » که مقدار ۱۵۰۰۰ کیلو گرام امونیم نایتریت که در«۳۰۰» خریطه سمنت (۵۰) کیلویی بشکل ماهرانه جابجا گردیده بود که از آن در ساخت واسکت های انتحاری، موتر بم و ماین های کنار جاده استفاده بعمل می آید؛ خوشبختانه قبل از رسیدن به هدف در شهر جلال آباد با یکتن عامل آن بام توریالی بازداشت گردیده است.

* هم چنان در یک اقدام دیگر موظفین ریاست امنیت ملی ۱۱تن تروریست مربوط گروه طالبان که در مربوطات ولایت ننگرهار مصروف انجام فعالیت های تروریستی، تخریبی و ماین گذاری بودند دستگیر نموده اند که از نزد شان یک مقدار سلاح، مهمات و ماین های مقناطیسی نیز بدست آمده است.

* در خبرنامۀ وزارت امور داخله آمده است، یک حمله انتحاری با استفاده از یک عراده واسطۀ نوع کرولا مملو از مواد انفجاری حوالی ساعت ۶:۰۰ شام امروز سه شنبه در جادۀ عمومی ولسوالی نادعلی جوار مندوی گندم مربوط ناحیۀ سوم شهر لشکرگاه ولایت هلمند رخ داد که در نتیجۀ این حادثه به تعداد ۷ تن از افراد ملکی شهید و ۶تن دیگر شان همراه با ۵ تن از منسوبین پولیس ملی که در حال اجرای گزمه بودند، مجروح گردیده اند. گفتنی است که جسد یک تن از انتحار کننده گان ملبس با واسکت انتحاری نیز از ساحه حادثه دریافت و تثبیت شده است.

* بازهم به قول خبرنامۀ وزارت امور داخله، یک مقدار مواد انفجاری که توسط تروریستان و دشمنان کشور در یک عراده کراچی دستی جابجا و در مقابل شفاخانۀ ملکی مربوط حوزۀ اول امنیتی شهر پلخمری ولایت بغلان متوقف گردیده بود، حین عبور یک عراده واسطۀ رنجر مربوط آمریت دایاگ ولایت بغلان، در حوالی ساعت ۶:۴۵ شام امروز سه شنبه منفجر گردیده است. در نتیجۀ این حادثه یک خانم به شهادت رسیده و به تعداد ۱۵ تن از افراد ملکی به شمول ۲ پولیس مجروح گردیده اند.

۲۱حوت:

* ریاست امنیت ملی گفته است که مسوول نظامی گروه طالبان در ولسوالی اشکمش ولایت تخار، در شهر کابل بازداشت شده است. در اعلامیۀ مطبوعاتی این ریاست آمده است که، ملا وزیر از مربوطات ناحیۀ شانزدهم کابل طی یک عملیات خاص نیروهای امنیت ملی، بازداشت شده است. همچنان در اعلامیه گفته شده که، نیروهای امنیت ملی حکمت الله یکی دیگر از افراد را که در ولایت میدان وردک مصروف فعالیت های تروریستی بود، بازداشت کرده اند.

بررسی فرایند نوستالژی در شعر استاد ...

"آواره تر از من به همه روزگار نیست
یک موج در جهان چو دلم بیقرار نیست
مرغ قفس کشد به امید چمن فغان
بیچاره آن اسیر که امید وار نیست."

وقتی که روس ها در ششم جدی ۱۳۵۸ وطن ما را اشغال و دست نشاندگان شان را به اریکۀ قدرت سیاسی نشاندند، این تنها استاد نبود که خود را به سرنوشت غمبار بیوطنی گرفتار دید، بلکه به اثر جنایت های لا تعد ولا تحصای آدمکشان کمونست و متجاوزین روسی، هزاران تن از هموطنان به چنگ این بلا و آفت جانسوز گرفتار آمده بودند و آثار و نشانه های درد بار آن تا هنوز در زندگی آنها، پیامد های سوء و زیانباری به جا گذاشته است. چنانچه استاد سخن خلیلی می گوید:

"دوستان! تنها نه من راه وطن گم کرده ام
بیخودم چندانکه نام خویشتن گم کرده ام"

یعنی می گوید: نه تنها من، بلکه هزاران تن از همدیاران من اینجا (دیار غربت) مجبور به پناه شده اند و به داغ بیکسی و بی وطنی می سوزند و ناله سر می دهند.

"تیلبرگ"(Tilburg)عقیده داشت:

"اغلب روان شناسان به این باور اند که نشستن در غربت، دور از دوستان و همزبانان و همدلان موجب می گردد که انسان هر روزه به طور متناوب به گذشته خویش بازگردد تا شاید بتواند کمبود های روحی خود را جبران نماید."

به مصداق گفته وی، این غم زمانی فرو کش می کند که انسان می بیند، در کنار وی یاران همدم و عزیزان همدل قرار دارند؛ ورنه "غم غربت و دلتنگی میهن در افرادی که از وطن خود به دور دست، مهاجرت کرده اند، بسیار شدید است."

و این در حالی است که زندگی در صورتی معنی پیدا می کند که زمینۀ برقراری ارتباط با دیگران، خصوصاً با یاران همدل فراهم باشد. از همین روست که برخی از صاحبان اندیشه، زندگی را با گفتگو برابر می دانند و می گویند: "زندگی در گوهر خود گفتگو است."

استاد خلیلی به ادامه بیتی که قبلاً آوردیم، چنین می سراید:

"نی رفیق همدمی، نی ره شناس محرمی
مرغ بی بال و پرم راه سخن گم کرده ام."

از بیت فوق تبیین می شود که غم فقدان عزیزان و دوری از یاران، محرک نوستالژی است.

استاد به جای دیگری چنین ناله سرمی دهد:

"در این دیار که از درد یار و درد دیار
به سینه هر نفسم زخم ها رسد کاری"

ضمیر "این" اشاره به کشور ایالات متحدۀ امریکاست که استاد خلیلی درآن سالها در "نیوجرسی" اقامت داشت. چنانچه وی در یک بیت، قبل از بیت متذکره آورده است:

"سفر ز مرز وطن تا دیار امریکا
دگر بگو که از این جا سر کجا داری؟"

طوری که اشاره شد: نبودن یار و دوری از دیار، سبب شده که شاعر عمدتاً از نبود غمگسار در سرزمین غربت شکوه سر دهد. و این یک واقعیت انکار ناپذیراست که خطۀ بیگانگان – همانگونه که سراینده در مورد آن اشاره کرده- شامگاه غم افزای بیکسی یی بیش نیست. روزگاریست که سینه را جز دل مجروح داغدار، همدمی نمی باشد و غیر از فشاندن اشک در دامان، از چشمان ستاره بار آواره، نصیبی با او نیست.

غزل "غمگسار" استاد اشاره به همین موضوع دارد که به نقل چند بیت آن می پردازیم:

"هزار حیف که غم ماند و غمگسار نماند
به غیر اشک زچشم ستاره بار نماند
به جای چرخ پر از آفتاب و ماه و امید
به سینه جز دل مجروح داغدار نماند
به شام بیکسی ام آسمان کند شیون
که غیر لاله کسم شمع بر مزار نماند."

از همین خاطر است "سیروس شمیسا" در کتاب »نگاهی به فروغ «در باب حسرت گذشته – که نمونه های آن در بسیاری از ابیات دیوان استاد خلیلی مشهود است– می نویسد:

" تأسف برگذشته از موتیف (درونمایه) های رایج شعر فارسی است."

هرکسی در هر مقامی که بوده باشد، وقتی که به چنگ غربت گرفتار آمد و پنجه های آهنین دلتنگی گلویش را به فشار وا داشت، به آه و ناله رو می آرد و به خاطره های دوری می پردازد که در آن از احساس غربت خبری نبود و حس دلتنگی پدیده ای به شمار نمی رفت که آنها را تحت فشار قرار دهد.

زیرا، بن مایۀ نوستالژیک چیزی نیست الا حاکمیت اوضاع ناگوار سیاسی و اجتماعی، در کنار یاد مرگ، عشق، اندوه هبوط، یاد دوران کودکی و دوران جولانی و بالاخره دوران بودن در زادبوم و یاد عزیزان و آرمان شهر...!

از همین روست که سدۀ حاضر را قرن بی ثباتی ها و نا امنی ها قلمداد می کنند. قرنی که با نویسندگان، خصوصاً شاعران "امکان سازگاری با وضع جدید را نمی دهد و باعث می شود غم غربت و احساسات نوستالژیک در مضامین سرایشگران این دوره، بازتاب گسترده یی داشته باشد و به مصداق نوشتۀ یکی از نویسندگان در "پژوهشنامۀ ادب غنایی" شاعران با مشاهدۀ مشکلات کشور شان حسرت می خورند و با پل زدن به گذشته ها و یاد کرد از اوضاع به سامان، از اندوه خویش می کاهند."

اندوهی که چون جنگ، تنفر از نظام حاکم، قتل و کشتار و فقر و بدبختی، تباهی، بربادی و امثالهم سبب ایجاد آنها است!

و به قول صاحب مجموعۀ "ارغنون":

"تا که از یار و دیار خود جدا افتاده ام
راست می خواهی بگویم در بلا افتاده ام
از بهشت عدن همچون رهنوردی تشنه لب
بر زمین تفتۀ ام القری افتاده ام"

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۴۶ ۲۳حوت ۱۳۹۳ ۲۳ جمادی الاول ۱۴۳۶ 14 March 2015

بې اسرې مهاجرین او په اړه یې د افغان حکومت ډیر وروسته اقدام



□ زهیر

په پاکستان کې دا مهال نږدې اوه ویشت لکه افغان مهاجرین اوسیږي؛ چې د یو ملیون په شاوخوا کې شمېره یې بیا هغه مهاجرین دي چې کارتونه نلري او د ۲۰۱۵ میلادي کال ترپایه پاکستان کې د قانوني اوسېدنې حق نلري. په پاکستان کې مېشت مهاجرین د دسمبر په شپاړسمه نیټه د پېښور په ورسک سړک په یو پوځي ښوونځي باندې د ترهګریز برید په نتیجه کې د یونیم سل په شاوخوا کې زده کوونکو د وژل کېدو وروسته، د پاکستاني دولت د نووسپېړو لاندې راغلل؛ چې تر دا مهاله یې هره ورځ پاکستاني پولیس تنګوي؛ د ډېرش زرو په شاوخوا کې یې بندیان کړي او د ځینو مهاجرینو د خولې له مخې پاکستان کې هرې پوځي څوکۍ ته دستور ورکړل شوی چې د ورځې پنځوس مهاجرین ونیسي، څو یې د پولې د بغارې په زور راواړاوي او یا یې بندیان کړي. که چېرې یې پولسیو ته غوښتل شوی باج ورنکړ.

پدغه لړۍ دادی نږدې درې میاشتې واوښتې خو د ملي وحدت حکومت د مهاجرینو وزیر سیدعالمي بلخي د یوولس کسیز پلاوي په مشرۍ یوازې اوس ورسیدلی څو یې په هکله د پاکستاني حکومت سره خبرې وکړي او د پاکستان حکومت دې ته قانع کړي چې د مهاجرینو د راستنېدو پروسه هماغسې اختیاري وساتي؛ ځکه له یوې خوا افغان حکومت د دومره ډېرو مهاجرینو راستنېدو لپاره تیاري نلري او له بلې خوا د ژمي موسم د مهاجرینو لپاره یو بل ګواښ دی، چې په هیواد کې دننه د هستوګنې د ځایونو نه لرلو لامله دغه بې اسرې مهاجرین چېرې پدې ژمي کې لاړشي.

پاکستان ته تللي د مهاجرینو وزیر، د دغه هیواد د صدراعظم نوازشریف د امنیتي سلاکار سرتاج عزیز سره کتلي او ورڅخه یې غوښتي دي چې د افغان دولت مجبوریتونه په نظر کې ونیسي او په زوره د مهاجرینو رالیږلو لړۍ ودروي او هم یې پدې لړکې د افغانستان او پاکستان دولتونو او یواین ایچ سی آر ترمینځه درې اړخیز هغه کنفرانس کې ګډون کړی، چې د افغان مهاجرینو د راستنېدو او پدې لړکې پرتو ستونزو په اړه یې په لیارو چارو بحث وکړ؛ پدغه کنفرانس کې د مهاجرینو د بیا راستنیدو د تشویق په منظور ددې پرېکړه هم شوې ده چې لدې وروسته دې هغه مرسته زیاته کړای شي چې راستنېدونکو مهاجرنیو ته د یواین ایچ سی آر لخوا دستنېدو پرمهال ورکول کیږي. او هم پرېکړه شوې ده چې پدې اړه د شرایطو برابرولو لپاره د دواړو لوریو څخه یو شپږ کسیز کمیسیون رامنځته شي، څو د مهاجرینو خپل هیواد ته د راستنېدلو شرایط د افغان دولت د تیارۍ او ظرفیت سره سم برابر کړای شي.

خو هغه څه چې پدې لړکې ډېر اړین دي هغه دادي چې افغان حکومت د راستنېدونکو مهاجرینو لپاره د هستوګنې لپاره په خپلو ولایتونو کې ښارګوټي جوړ کړي، په کوم کار کې چې پخپله افغان دولت تر اوسه پاتې راغلي دی؛ ځکه د مهاجرینو وزارت افغانستان ته راستنېدونکو مهاجرنیو لپاره د نږدې شپېتو په شاوخوا کې ښارګوټو جوړولو پرېکړه کړې وه چې یوازې اوه ویشت ښارګوټي یې تر دامهاله په عملي توګه جوړ کړي دي خو په هغو کې هم د روغتیا او ښوونې په ګډون نورې بنیادي اړتیاوې هم ندي برابرې شوې.

په درې اړخیز کنفرانس کې دا خبره هم مطرح شوې ده چې له ۲۰۱۵ میلادي کال وروسته د کارتونو لرونکو مهاجرنیو لپاره د کارتونو تمدید صورت ومومي؛ ځکه اوس مهال د ټولو مهاجرینو د راستنېدو زمینه برابره نده، خو پاکستاني دولت دې ته تن نه ږدي او یوازې د هغو مهاجرنیو لپاره د کارتونو ورکولو پلوي دي چې تر اوسه د هویت کارتونه نلري.

خو کېداې شي د تللي پلاوي له صدراعظم نوازشریف سره د کتنې پر مهال پاکستان دې ته تیار کړای شي.

مګر له ټولو عجیبه داده چې د افغانستان د مهاجرنیو د چارو وزیر هم ورسته له هغې پاکستان ته ولاړ چې د وزارت دسمبالولو وروسته یې یوه نیمه میاشت تېره شوې ده او اړتیا لېدل کېده چې باید د خپل منصب سمبالولو سره سم په هماغو لومړیو ورځو کې تللی وای؛ خو لکه چې افغان دولت تل د مهاجرینو سره د مېرۍ مور سلوک کړی دی، دا ځل یې هم د مهاجرینو په اړه ډېر وروسته اقدام وکړ او داسې برېښي چې ولسمشر غني پاکستان د خپل سفر پر مهال د پاکستاني چارواکو سره همدغه حلوا پخ کړي اوسي او له همدې امله خو دا ممکنه نده چې مدعي سست او ګواه چست شي؛ یعنې د افغانستان دولت دې په میاشتو وروسته د مهاجرینو ستونزو هوارولو ته ورځي او د پاکستان دولت دې له دوې څخه زیات د مهاجرینو د ستونزو هوارونکي وګرځي؟!

یادوبود از
چهارمین سال شهادت جنرال سیدخیلی



از چهارمین سالروز شهادت جنرال عبدالرحمن سید خیلی، روز جمعه (۲۲ حوت) طی محفلی در کابل یادوبود به عمل آمد. در این همایش داکتر عبدالله عبدالله، محمد یونس قانونی، نورالحق علومی وزیر امور داخله، کریم خلیلی، حاجی اجمل سید خیلی پسر جنرال عبدالرحمن سید خیلی و تنی چند صحبت نموده، پیرامون شجاعت، دلیری و از خود گذری شهید سید خیلی روشنی انداختند. سخنرانان روی وضعیت کنونی و برون از آن نیز اشاراتی داشتند.

جنرال عبدالرحمن سید خیلی از فرماندهان سابق جمعیت اسلامی افغانستان در دوره های جهاد و مقاومت و از جمله فعالان این حزب بود. وی قوماندان امنیهٔ ولایت کندز بود که بتاریخ (۲۱ حوت ۱۳۸۹) در حملهٔ انتحاری از سوی دشمنان مردم افغانستان، در آن ولایت به شهادت رسید.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالیکه به روان شهید جنرال سیدخیلی درود می فرستد، از حکومت وحدت ملی اکیداً می طلبد تا پروندهٔ نخبه گان جهاد و مقاومت و شخصیت های ملی کشور را که در سال های اخیر توسط دشمنان به شهادت رسیده اند، تعقیب و پی گیری نماید.

پیام صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی...

هرات که در گذشته های دور تاریخی به خاطر اهمیت جغرافیایی اش در مسیر تهاجم لشکر گشایان و مهاجمان متعدد قرار گرفته و بار ها مورد تاخت و تاز قرار گرفته و به تودهٔ خاک بدل شده بود، این بار نیز در آتش خشم و کینهٔ رژیم کمونیستی وقت سوخت و حدود بیست و پنج هزار انسان در این شهر به شهادت رسیدند و در تاریخ، هرات "شهر خون و قیام" لقب گرفت.

سرکوب اعتراض مردم در بیست و چهارم حوت سال ۱۳۵۷ خورشیدی، سند زندهٔ دیگری از جنایت های رژیم کمونیستی وقت است که مردم این سرزمین، هرگز آن را فراموش نخواهند کرد.

جمعیت اسلامی افغانستان باور دارد؛ همانگونه که در گذشته نسل اول و دوم خانوادهٔ بزرگ جهاد و مقاومت با اتحاد و همدلی برای آزادی و استقلال کشور رزمیدند، نسل نو این خانوادهٔ بزرگ نیز مسوولیت دارند که در جهاد سازندگی کشور سهم گرفته و برای آیندهٔ درخشان این سرزمین و به خاطر به میراث ماندن یک افغانستان سربلند و توسعه یافته به نسل های بعدی، کار و تلاش مضاعف کنند.

جمعیت اسلامی افغانستان، ضمن نکوداشت از یاد همه شهدای جهاد و مقاومت مردم افغانستان، به ویژه شهدای ۲۴ حوت هرات، یک بار دیگر از اعضایش می خواهد که با آرمان ها و اهداف شهدا، تجدید عهد و پیمان کنند و برای یک افغانستان آزاد، آباد و با عزت تلاش نمایند.

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان